



۲۰۱۹/۱۲/۰۷



حمید انوری

اینجا پاداش گل، گلوه است!

داکتر "تنسو ناکامورا" شخصیت پرتلاش، دلسوز و عاشق افغانستان، شخصیت بی بدیل افغان- جاپانی الاصل، که بیشتر از بیست سال بهترین سالهای زندگی پرغرور اش را وقف افغانستان و مردم افغانستان کرد، کسی که تلاش داشت یک کشور جنگ زده و ویرانه را سرسبز و گلستان سازد، کسی که شب و روز تلاش داشت مریض های جزامی را تداوی کند، کسی که هیچ کاری با سیاست و جنگ نداشت و همه را یکسان دوست داشت، نامردانه و زبوانه آماج گلوله های چند تروریست کثیف و بی وجدان قرار گرفت و چشم از این دنیای دون برای همیشه بست.

او در دشت و بیابان و کوه و کمر ننگرها و لغمان و گوشه و کنار آن، سال های متمادی نهال ها غرس کرد، کانال ها حفر نمود، باغ ها و پارک ها و شفاخانه ها ساخت، گل کاشت و اما گلوله پاداش گرفت!

سر برگ گل ندارم، ز چه رو روم به گلشن؟

که شنیده ام ز گلها همه بوی بی وفایی

به کدام مذهب است این؟ به کدام ملت است این؟

که کشند عاشقی را، که تو عاشقم چرایی؟

با حسرت تمام مجبوریم اما به جواب زنده یاد "عراقی"، بگوئیم که آن "مذهب" و آن "ملت" مورد نظر تو، که عاشق ای را به جرم عاشق بودنش می کشند، امروز افغانستان نام دارد که لانه دشمنان رنگارنگ خودش گشته است و هر رزالت ایکه انجام می دهند، بنام "افغان" تمام می شود.



این درست است که ما مردم فرشته نیستیم و از بدی ها بری، خوب و بد در هر اجتماع وجود دارد، اما قدر مهمان ایکه با گل آمده باشد را خوب می دانیم. مردم حق ناشناسی هم نیستیم و در ره دوست سر می دهیم.

سر آن ندارم تا به چگونگی و چرایی قضیه بپردازم و یخن احمد و محمود و از خود و بیگانه بگیرم، اما دردا و دریغا که افغانستان بهترین دوست دلسوز و عاشق خود را از دست داد.

جنایتکاران ذلیل و زبون، کسی را گلوله باران کردند که هیچ با سیاست و جنگ و زور کاری نداشت و با زور آوران قلدن نیز هیچ سرو سیری و یک رضاکار دلسوز و پرتلاش بود و هدفی جز خدمت به انسان نداشت. او فقط و فقط با آب سر و کار داشت و گُل می کاشت، دردا که گُل کاشت و گلوله درو کرد!

او از صدق دل و عشق و علاقه ای وافر ایکه به افغانستان و مردم آن داشت، در سرزمین تفتیده و جنگ زده ما، آب را مدیریت میکرد، اما دشمنان قسم خورده افغانستان، آبروی ما را بردند.

با تأسف عمیق که تجاوز روس و از پی آن جنگ های مسلسل فرسایشی، زیربنا های کهن تاریخی، کلتوری، فرهنگی و سیاسی- اجتماعی افغانستان را از ریشه دگرگون ساخت، اما با جرئت می توان گفت یگانه صفت خوب افغانها که در رگ و خون و پوست و استخوان هر افغان، عمیقاً ریشه دارد و حفظ شده است و دستخوش جنگ ها نگردیده است، صفت نیک "مهمان نوازی" شان است که همچنان شهره آفاق است.

افغانها در هر حالت و اوضاع و در هر شرایط سخت و ناگوار، سخت مهمان نواز اند و این را همیشه ثابت ساخته اند و از نگاه دین و مذهب هم، همه افغانها به این اصل شریف ملی - مذهبی خود متفق القول اند که **"مهمان عزیز خداست"**.

پس هیچ تردیدی نمی توان داشت که حتی یک افغان هم به چنین پستی و پلشتی تن دردهد و تمام اساسات شریف ملی و مذهبی و افغانی خود را زیر پا کند. این خواب است و خیال است و محال است و جنون که قاتلین شرف باخته و بی آبرو، افغان بوده باشند.

قرار معلوم جهت انتقال جنازه زنده یاد داکتر "تیتسو ناکامورا" به جاپان، خانم، دختر و تعدادی از دوستانش به کابل آمده اند و قرار است با تشریفات رسمی با یک سطح بلند، جنازه را به میدان هوایی بین المللی کابل انتقال دهند. از نظر این کمترین به پاس خدمات صادقانه "ناکامورا"، جا دارد تا میدان هوایی بین المللی کابل را به



نام نامی این خدمتگار و خادم ملت افغانستان نامگزاری کنند. این پسندیده تر است و مورد قبول عام و خاص. ابتکار شرکت هوایی "کام ایر"، بسیار پسندیده، معقول و قابل قدر است که تصویر "ناکامورا" را زینت بخش طیارات خود نموده است.

"تیتسو ناکامورا، رئیس نهاد خیریه جاپانی «خدمات صحی صلح جاپان» زندگی آسوده جاپان را رها کرد و برای خدمت به مردم افغانستان به این کشور آمد.

او خدمات زیادی به باشندگان ننگرهار کرده است. ناکامورا یازده سربند و کانال را برای مهار آب کنر ساخت تا از آن برای آبیاری بخش بزرگ زمین ها در ننگرهار استفاده شود.

ناکامورا 10 مرکز صحی را نیز در ننگرهار ساخت و در آن بیماران را درمان می کرد.

او در سال 2003 کار ساخت کانال مروارید را آغاز کرد و این پروژه را به موفقیت به پایان رساند.

... ناکامورا به تازگی کار ساخت کانال دوم مروارید را با هزینه 700 هزار دالر در ولسوالی خیوه ننگرهار

آغاز کرده بود و پیش از گشایش آن جان باخت." (سلام وطندار)

"ناکامورا" را نامردانه کُشتند، اما یاد او و کارنامه های او در دل و دماغ هر افغان برای همیشه جاودانه است.

دوست آب می آورد و دشمن آبرو میبرد، دوست گل میکارد و دشمن خارکشت می کند، دوست به دوستی و همدلی و همدگر پذیری تشویق میکند و دشمن به جنگ و خونریزی و ویرانی و آدم کُشی.

بیانید، جاده ها، چهارراهی ها، میدانهای هوایی، پوهنتون ها و پوهنخی ها و مکاتب خود را بنام نامی

خدمتگاران واقعی افغانستان (چه داخلی، چه خارجی)، مسما سازیم، نه خائنین ملی!

یک شعر "افراسیاب ختک" را از صفحه فیسبوک محترم "رمضان بشردوست"، گرفته و به پاس خدمات

خستگی ناپذیر و عاشقانه "ناکامورا" برای مردم افغانستان، اینجا می آورم. یاد او همیشه گرمی باد و راه او پُر

رهرو!

"ناکامورا" را فراموش نکنید!



سترگی نم، تیر سوری او غم شدید دی

چی دزره په کور می لمه باندي می برید دی

دغه قتل کی پت بل هم یو تهدید دی

ناکامورا د کونړ پر سیند شهید دی



hamid_anwari_5_einjaa_paadash_e_gul.pdf